

نشریه علمی تخصصی انجمن علمی
دانشجویی فقه و مبانی حقوق اسلامی

میزان

زمستان ۹۶
شماره ۱۰

قیمت: ۵۰۰ تومان

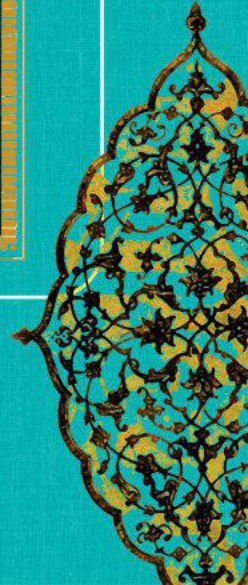
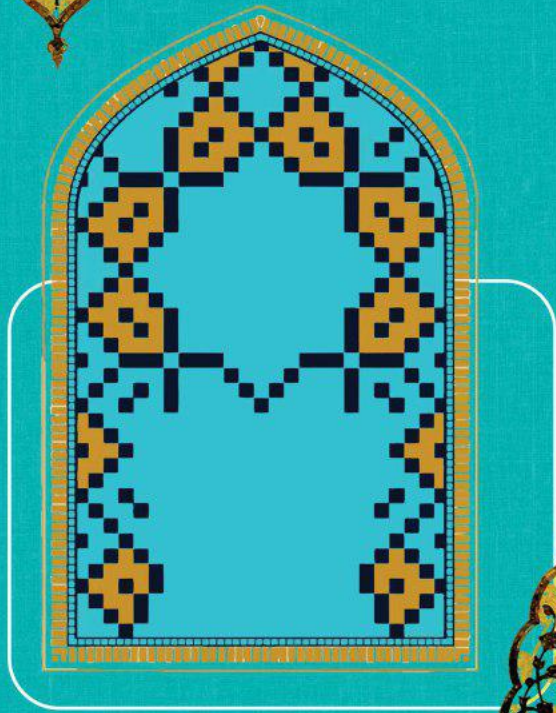


باتکداری اسلامی

زندگینامه دکتر مهدی شهیدی

اصول مقاله نویسی: شیوه نگارش و
تدوین مقاله علمی پژوهشی

شیوه صحیح قانون خوانی
برای کارشناسی ارشد و وکالت



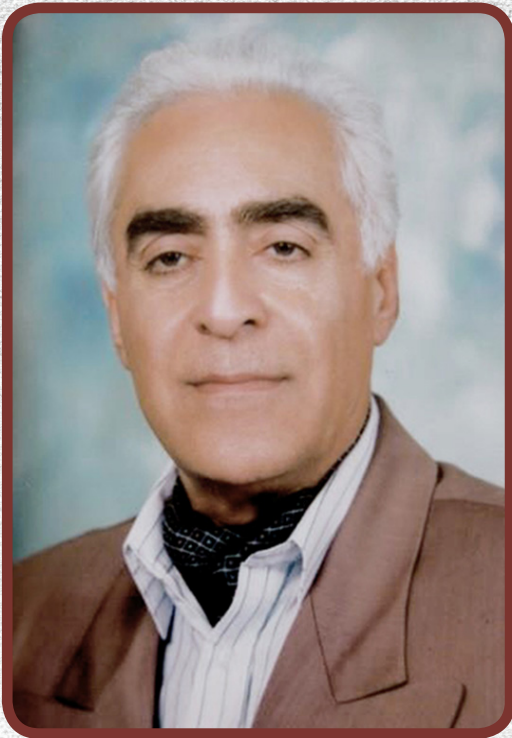


- زندگینامه دکتر مهدی شهیدی ● ۲
- اصول مقاله نویسی: شیوه نگارش و تدوین مقاله علمی پژوهشی ● ۴
- شیوه صحیح قانون خوانی برای کارشناسی ارشد و وکالت ● ۱۴
- بانکداری اسلامی ● ۱۷
- ارکان شرکت در جرم ● ۱۹

میزان

نشریه علمی تخصصی انجمن علمی دانشجویی فقه و مبانی
حقوق اسلامی - زمستان ۹۶ - شماره ۱۰۵

صاحب امتیاز: انجمن علمی فقه و مبانی حقوق
زیر نظر: امور فرهنگی دانشگاه الزهراء(س)
استاد راهنما: زهرا سادات میر هاشمی
مدیر مسئول: فریناز سادات خطیبی
سر دبیر: زینب خسروی فر
هیئت تحریریه: فریناز سادات خطیبی، زینب خسروی فر، مریم خدایی و فاطمه اسدی
کارشناس نشریات: سرکار خانم وزیر
چاپ: دامون
آدرس: ونک، میدان شیخ بهایی، دانشگاه الزهراء(س) - ساختمان خوارزمی
تلفکس: ۸۸۶۱۷۵۳۶



زندگینامه دکتر مهدی شهیدی

مهدی شهیدی مجتهد و حقوقدان ایرانی و نویسنده کتب دانشگاهی در رشته حقوق مدنی بود. وی از اساتید حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران بود.

زندگی

وی در سال ۱۳۱۳ در یک خانواده فرهنگی و علمی در شهر قزوین زاده شد و پدرش را در سنین کودکی از دست داد. به مناسبت واقعه کشته شدن جدش حاج ملا محمدتقی برغانی که از علمای قزوین بود و در محراب مسجد کشته شد و شهید ثالث نام گرفت، نام خانوادگی اش شهیدی بود. پدرش از دانشگاه تهران لیسانس زبان فرانسه گرفته و رئیس فرهنگ نهاد بود. مهدی شهیدی با دکتر ایراندخت نظری ازدواج کرد.

مهدی شهیدی در سال ۱۳۸۳ بعد از یک بیماری درگذشت.

سوابق تحصیل

- گواهی اجتهاد در مورد علوم فلسفه، ادبیات، فقه و اصول
- کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته حقوق با رتبه ممتازی از دانشکده حقوق تهران
- دوره D.E.S (حقوق خصوصی)
- دیپلم مطالعات عالی دولتی (از فرانسه، دوره D.E.S)

علوم کیفری

- دیپلم مطالعات عالی دولتی از فرانسه
- دکترای دولتی حقوق خصوصی از فرانسه
- تدریس در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی و دانشکده اقتصاد و علوم بانکی و خدمات اجتماعی.

فعالیت‌ها و افتخارات

- استاد نمونه دانشگاه‌های کشور در سال ۱۳۸۰
- استاد نمونه دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۷۲
- اخذ گواهی اجتهاد
- وکیل پایه یک دادگستری
- اخذ دکترای دولتی در حقوق خصوصی از فرانسه
- استاد و از اعضاء هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی (دانشگاه ملی سابق)

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی

لوايح قانونی قانون مجازات، طرح قانون اساسی، اصلاح قانون تجارت، مسائل معضل حقوقی استعلام شده از طرف قانون

۳

میزان

نشریه علمی تخصصی انجمن علمی دانشجویی فقه و مبانی حقوق اسلامی - زمستان ۹۶ - شماره ۱۰



وکلائی دادگستری، دعاوی مطروح بین سازمان‌های دولتی و اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی، مسائل استعلام شده از سوی بانک مرکزی و دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی در کمیته‌های تخصصی و شورای حقوقی وزارت راه و ترابری.

کتاب‌ها

- حقوق مدنی ۳ (تعهدات)
 - حقوق مدنی ۶ (عقودمعین ۱)
 - ارث اندیشه حقوقی (مجموعه مقالات)
 - دوره تعهدات:
 - جلد اول: تشکیل قراردادها و تعهدات
 - جلد دوم: اصول قراردادها و تعهدات
 - جلد سوم: آثار قراردادها و تعهدات
 - جلد چهارم: شروط ضمن عقد
 - جلد پنجم: سقوط تعهدات
- کتاب‌های ایشان توسط انتشارات مجد منتشر می‌شود.

زمینه علمی مقالات

مسائل متنوع حقوقی، حقوق مدنی بازرگانی و ادله اثبات دعوی، مسائل حقوقی مربوط به موضوعات مستحدث

حاوی بحث‌ها و تحلیل‌های حقوقی برای اولین بار نظیر تلقیح مصنوعی انسان، وضعیت حقوقی کودک آزمایشگاهی و مسائل کیفری.

همکاری با کانون وکلای دادگستری مرکز

دکتر مهدی شهیدی مدت بیست و سه سال در برگزاری امتحان‌های اختبار کانون وکلای دادگستری مرکز و کمیسیون استفتائات، با این کانون همکاری داشته است.

نظریات

نظریه «پول» را اولین بار در کتاب سقوط تعهدات در سال ۱۳۶۸ مطرح کرد. در مقررات قانونی مختلف از جمله ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی و قانون نحوه تقویم مهریه به نرخ روز می‌توان یافت.



اصول مقاله نویسی: شیوه نگارش و تدوین

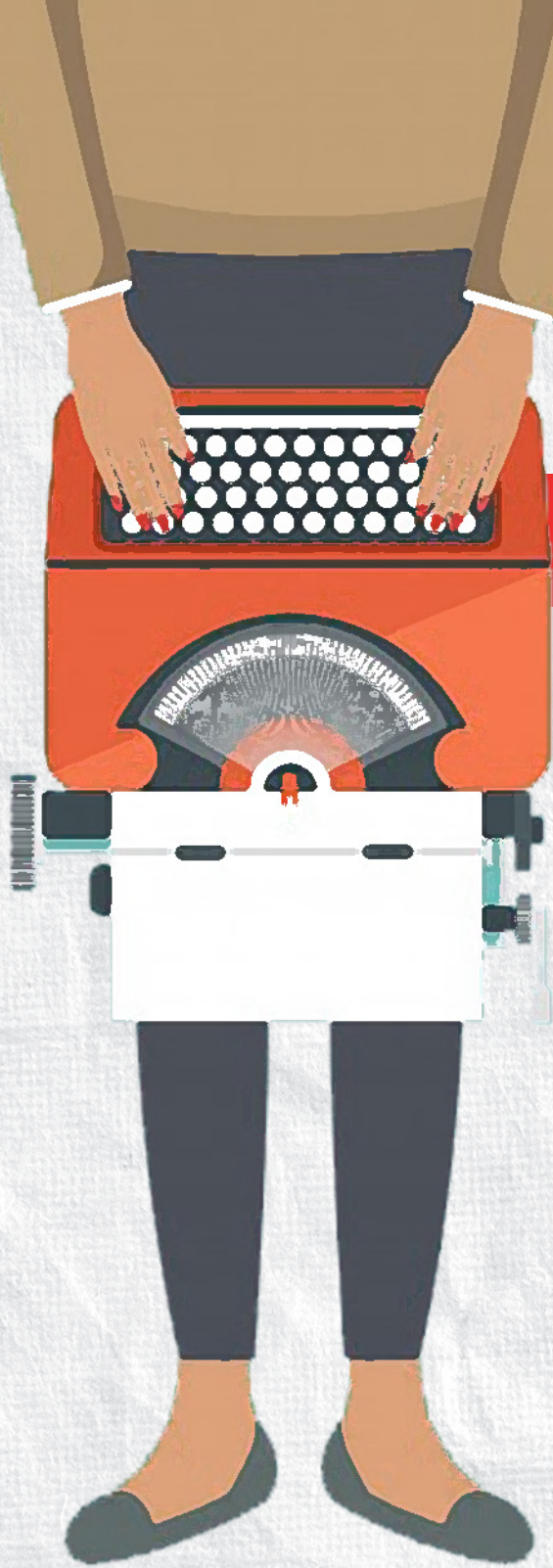
مقدمه

مقاله علمی معمولاً در نتیجه پژوهش منطقی، ژرف و متمرکز نظری، عملی یا مختلط، به کوشش یک یا چند نفر در یک موضوع تازه و با رویکردی جدید با جهت دستیابی به نتایجی تازه، تهیه و منتشر می‌گردد. (اعتماد و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۲) چنین مقال‌های در واقع گزارشی است که محقق از یافته‌های علمی و نتایج اقدامات پژوهشی خود برای استفاده سایر پژوهشگران، متخصصان و علاقه‌مندان به دست می‌دهد.

تهیه گزارش از نتایج مطالعات و پژوهش‌های انجام شده، یکی از مهم‌ترین مراحل پژوهشگری به شمار می‌رود؛ زیرا اگر پژوهشگر نتواند دستاوردهای علمی خود را در اختیار سایر محققان قرار دهد، پژوهش او هر اندازه هم که مهم باشد، به پیشرفت علم کمکی نخواهد کرد؛ چون رشد و گسترش هر عملی از طریق ارائه و به هم پیوستن دانش فراهم آمده از سوی فرد اندیشمندان آن علم تحقق می‌یابد.

همان‌طور که پژوهشگر پیش از اقدام به پژوهش، نیازمند توجه و بررسی یافته‌های علمی پژوهشگران قبل از خود است تا بتواند یافته‌های علمی خود را گسترش بخشد، دیگران نیز باید بتوانند به یافته‌های پژوهشی او دسترسی پیدا کنند و با استفاده از آنها فعالیت‌های علمی خود را سازمان داده، در ترمیم و تکمیل آن بکوشند.

از امتیازهای مهم یک مقاله می‌توان به مختصر و مفید بودن، به‌روز بودن و جامع بودن آن اشاره کرد؛ زیرا محقق می‌تواند حاصل چندین ساله پژوهش خود در یک رساله، پایان‌نامه، پژوهش، یا حتی یک کتاب را به اختصار در یک مقاله علمی بیان کند تا پژوهشگران دیگر بتوانند با مطالعه آن مقاله از کلیات آن آگاهی یابند و در صورت نیاز بیشتر، به اصل آن تحقیقات مراجعه کنند. بدین منظور، امروزه نشریات گوناگونی در زمینه‌های مختلف علمی-پژوهشی نشر می‌یابد و مقاله‌های به چاپ رسیده در آنها، اطلاعات فراوانی را در اختیار دانش پژوهان قرار می‌دهند. لازم است محققان با شیوه تدوین مقالات علمی آشنا باشند تا بتوانند با استفاده از شیوه‌های صحیح، با سهولت، نتایج تحقیقات و مطالعات خود را به صورت مقاله در اختیار علاقه‌مندان قرار دهند. نوشتن مقاله مستلزم رعایت اصولی در ابعاد مختلف محتوایی، ساختاری و نگارشی است.



وین مقاله علمی پژوهشی

ملاک‌های محتوایی مقاله

یکی از مهم‌ترین ابعاد مقاله علمی، محتوای علمی و ارزشمندی کیفی آن است. مقاله باید یافته‌های مهمی را در دانش بشر گزارش نماید و دارای پیامی آشکار باشد؛ بنابراین پیش از تهیه مقاله، محقق باید از خود بپرسد که آیا مطالب او آن قدر مهم است که انتشار آن قابل توجیه باشد. آیا دیگران از آن بهره خواهند برد؟ و آیا نتایج پژوهش او، کار آنها را تحت تأثیر قرار خواهد داد؟ (هومن، ۱۳۷۸، ص ۸۲). در اینجا به چندین اصل مهم از اصول و معیارهای محتوایی پژوهش علمی اشاره می‌گردد که توجه به آنها قبل از تهیه مقاله به ارتقای کیفیت آن کمک می‌نماید.

فرایند «تفکر»: تفکر، تلاش برای معلوم کردن مجهول با استفاده از علوم موجود است. (غروی‌ان، ۱۳۶۸، ص ۱۱) بنابراین اساسی‌ترین محور محتوایی یک پژوهش علمی، آن است که مجهولی را روشن نماید. بر این اساس، هر پژوهش علمی در پی پاسخ دادن به پرسش‌هایی است که تاکنون برای مخاطبان کشف نشده است. از این رو پژوهش علمی همیشه با طرح یک یا چند سؤال آغاز می‌شود که محقق در صدد پاسخگویی به آنهاست.

منطقی بودن: منطق که راه درست اندیشیدن (تصور) و صحیح استدلال آوردن (تصدیق) را می‌آموزاند، (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۲۱) ابزار ضروری یک مقاله علمی است و محقق باید شایستگی لازم را در استدلال آوردن، تحلیل محتوا و نتیجه‌گیری داشته باشد. قواعد تعریف، طبقه‌بندی، استنباط‌های قیاسی و استقرایی، روش‌های مختلف نمونه برداری و غیره همه از ویژگی‌های منطقی یک مقاله علمی است که محقق باید به آنها توجه داشته باشد. (هومن، ۱۳۷۴، ص ۱۹).

انسجام و نظام‌دار بودن: مرتبط بودن اجزای مختلف مقاله با همدیگر، همچنین متناسب بودن آنها با عنوان مقاله و ارتباط عناوین فرعی با همدیگر، از جمله مواردی است که به تحقیق، یکپارچگی و انسجام می‌بخشد. بر این اساس، محقق باید عناوین فرعی مقاله خود را با نظامی منطقی از یکدیگر مجزا کرده، ارتباط بخش‌ها را مشخص نماید.

تراکمی بودن: از آنجا که هدف پژوهش پاسخ دادن به سئوال‌هایی است که تا آن زمان دست کم از نظر محقق، پاسخی منطقی برای آن وجود نداشته است، هر پژوهش

علمی باید از یک سو به منظور کشف دانش جدید، و از سوی دیگر، برای تکمیل دانش، صورت پذیرد. بنابراین هدف اصلی یک مقاله، کشف یا تکمیل دانش بشری است، نه تکرار دوباره آن با عبارات مختلف. (هومن، ۱۳۷۴، ص ۲۰).

تناسب موضوع با نیازهای فعلی جامعه علمی: هر پژوهش علمی باید نیازهای اساسی جامعه علمی خود را در نظر گرفته، در صدد حل آن مسایل برآید؛ بنابراین از طرح موضوعاتی که از اولویت تحقیقی برخوردار نیستند و جامعه علمی، بدانها نیاز ندارد، باید احتراز نمود.

خلاقیت و نوآوری: هر تحقیق علمی زمانی می تواند در ارتقای سطح دانش، موفق و موثر باشد که از فکری بدیع و خلاق برخوردار باشد. مقالاتی که به جمع آوری صرف بسنده می کنند، نمی توانند سهم عمده ای در پیشرفت دانش بشری داشته باشند.

توضیح مطلب در حدّ ضرورت: از جمله مواردی که محقق در گزارش نویسی پژوهش خود (مقاله) باید بدان توجه کند، پرهیز از حاشیه روی و زیاده گویی افراطی است؛ همچنان که خلاصه گویی نباید به حدّی باشد که به ابهام و ابهام منجر شود؛ بر این اساس محقق باید به حدّی مطالب را تبیین کند که مقصود وی برای خواننده، روشن شود.

متناسب بودن با نظریه ها: هر رشته علمی، متشکل از نظریه ها و قوانینی است که مورد اتفاق صاحب نظران آن فن است. یافته های به دست آمده در تحقیقات میدانی یا توصیفی نباید با قوانین کلی آن رشته تخصصی منافات داشته باشد.

اجتناب از کلی گویی: هدف نهایی علم، صورت بندی یک «نظریه» (۳) و «تبیین کردن» (۴) یکی از اصول مهم نظریه است. (دلاور، ۱۳۷۱، ص ۳۳) از این رو محقق باید بتواند مباحث علمی خود را به روشنی توضیح دهد و با زبان گویا آن



را تبیین و از کلی گویی اجتناب نماید. گزارش روش شناسی تحقیق: «تحقیق» (۵) فرایندی است که از طریق آن می توان درباره ناشناخته ها به جست و جو پرداخت و از آن، شناخت لازم را کسب کرد. در این فرایند چگونگی گردآوری شواهد و تبدیل آنها به یافته ها «روش شناسی» (۶) نامیده می شود. این سؤال که چگونه داده ها باید گردآوری شود و مورد تفسیر قرار گیرد، به طوری که ابهام حاصل از آنها به حداقل ممکن کاهش یابد؟» از موارد مهم تحقیق علمی است. (سرمد و همکاران، ۱۳۷۹، ص ۲۲). یک تحقیق علمی زمانی می تواند مطالب خود را به اثبات برساند که از روش گردآوری مناسبی برخوردار، و آن روش ها در مقاله به خوبی بیان شده باشد.

ساختار مقاله علمی

نوشتن مقاله مستلزم داشتن طرحی مدون است. در گزارش یک تحقیق نه تنها باید ارزش های محتوایی

مراحل مقدماتی گزارش پژوهشی

موضوع یا عنوان مقاله

عنوان، مفهوم اصلی مقاله را نشان می‌دهد و باید به طور خلاصه، مضمون اصلی پژوهش را نشان دهد. عنوان مقاله باید جذاب باشد، یعنی به گونه‌ای انتخاب شود که نظر خوانندگان را که معمولاً ابتدا فهرست عناوین مندرج در یک مجله علمی را می‌خوانند به خود جلب نماید. همچنین عنوان باید کوتاه و گویا و تنها بیانگر متغیرهای اصلی پژوهش باشد. تعداد کلمات در عنوان را حداکثر دوازده واژه بیان کرده اند. (سیف، ۱۳۷۵، ص ۱۲).

نام مؤلف یا مؤلفان و سازمان وابسته

بعد از عنوان پژوهش، نام مؤلف یا مؤلفان ذکر می‌شود و در سطر زیر آن، نام دانشگاه یا مؤسسه که هر یک از مؤلفان در آن مشغول به کارند، می‌آید. اگر پژوهش به وسیله دو یا چند نفر انجام بگیرد و همه آنها به یک دانشگاه یا مؤسسه وابسته باشند، نام مؤسسه یک‌بار، آن هم به دنبال نام مؤلفان ذکر می‌شود. اما اگر هر یک از مؤلفان به سازمان خاصی وابسته باشند، باید بعد از نام هر یک از آنان، بلافاصله نام مؤسسه‌ای که به آن وابسته اند، ذکر شود. ترتیب قرار گرفتن نام مؤلفان به دنبال یکدیگر، معمولاً متناسب با میزان مشارکت آنان در انجام پژوهش است؛ اما اگر میزان مشارکت همه افراد در اجرای پژوهش یکسان باشد، اسامی آنان به ترتیب حروف الفبا در دنبال هم قرار می‌گیرد. (هومن، ۱۳۷۸، ص ۸۴).

چکیده

چکیده، خلاصه جامعی از محتوای یک گزارش پژوهشی است که همه مراحل و اجرای اصلی پژوهش را در خود دارد. هدف ها، پرسش ها، روش ها، یافته ها و نتایج پژوهش، به اختصار، در چکیده آورده می‌شود. در متن چکیده باید از ذکر هرگونه توضیح اضافی خودداری شود. مطالب چکیده باید فقط به صورت گزارش (بدون ارزشیابی و نقد) از زبان خود پژوهشگر (نه نقل قول) به صورت فعل ماضی تهیه شود.

را مراعات کرد، بلکه باید از ساختار روشمندی نیز پیروی کرد. امروزه تحقیقات فراوانی انجام می‌شود، اما تنها بخش کوچکی از آنها در مقالات منتشر می‌گردد. یکی از دلایل آن، عدم مهارت محقق در تهیه و تدوین ساختاری مقاله علمی است.

ساختار مقاله و تهیه گزارش از یک پژوهش علمی، با توجه به روش به کار گرفته شده در پژوهش، متفاوت است. دانشمندان در یک تقسیم‌بندی کلی، روش‌های استفاده شده در علوم را به دو دسته تقسیم می‌کنند. روش‌های کمی که در آنها از داده‌های کمی در تحقیق استفاده می‌شود (تحقیقات میدانی) و روش‌های کیفی که در آنها از داده‌های کیفی (تحقیقات کتابخانه‌ای) استفاده می‌شود. (سرمد و همکاران، ۱۳۷۹، ص ۷۸).

مراحل گزارش یک پژوهش (مقاله) با توجه به روش اتخاذ شده در تحقیق، با تفاوت‌هایی بیان می‌گردد.

به دلیل یکسان بودن هر دو روش در مراحل مقدماتی، و برای پرهیز از تکرار در اینجا مراحل مقدماتی را به صورت مجزا می‌آوریم.





بیان کرده و به تعریف متغیرهای تحقیق به صورت عملیاتی بپردازد. (هومن، ۱۳۷۸، ص ۸۷).

روش

هدف اساسی از بیان روش آن است که به گونه ای دقیق، چگونگی انجام پژوهش، گزارش گردد تا خواننده بتواند آن را تکرار نماید و همچنین درباره اعتبار نتایج داوری کند؛ بنابراین مؤلف باید همه مراحل اجرا، از جمله آزمودنی ها، ابزارهای پژوهش، طرح پژوهش، روش اجرا و روش تحلیل داده ها را بیان کند.

نتایج

در این بخش، توصیف کلامی مختصر و مفیدی از آنچه به دست آمده است، ارائه می شود. این توصیف کلامی با اطلاعات آماری مورد استفاده، کامل می شود و بهترین روش آن است که داده ها از طریق شکل و نمودار یا جدول، نمایش داده شوند. ساختار بخش نتایج، معمولاً مبتنی بر ترتیب منطقی پرسش ها یا فرضیه ها و نیز وابسته به تأیید شده بودن یا تأیید نشده بودن فرضیه هاست. ترتیب بیان نتایج نیز با برحسب ترتیب تنظیم سؤال ها یا فرضیه های آنهاست، (سیف، ۱۳۷۵، ص ۳۰) یا برحسب اهمیت آنها. روش متداول بیان نتایج، آن است که ابتدا مهم ترین و جالب ترین یافته ها و سپس به ترتیب، یافته های کم اهمیت تر ارائه می شود. (هومن، ۱۳۷۸، ص ۹۰).

ساختار مقاله مبتنی بر پژوهش توصیفی

اصول به کار گرفته شده در پژوهش های توصیفی با توجه به روش های به کار گرفته شده، با اصول پژوهش های میدانی، مقداری متفاوت است. هر چند این اصول ممکن است با توجه به موضوع های مختلف تحقیقی و رشته های مختلف، تغییر نماید، ساختار کلی ای که تقریباً همه پژوهش های توصیفی باید در قالب آن درآیند، به شرح زیر است.

مقدمه

آنچه در مقدمه یک مقاله تحقیق کتابخانه ای قرار می گیرد

چکیده در حقیقت بخشی کامل، جامع و مستقل از اصل گزارش در نظر گرفته می شود و نباید پیش از انجام گزارش، پژوهش تهیه شود. طول چکیده برای مقاله، بستگی به روش های خاص هر مجله دارد و معمولاً بین صد تا ۱۵۰ کلمه پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی

معمولاً در انتهای چکیده، واژگان کلیدی پژوهش را بیان می کنند تا به خواننده کمک کنند، پس از خواندن چکیده و آشنایی اجمالی با روند تحقیق، بفهمد چه مفاهیم و موضوعاتی در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است. معمولاً با توجه به حجم و محتوای مقاله، پنج تا هفت واژه کلیدی در هر مقاله بیان می شود. (سرمد، ۱۳۷۹، ص ۳۲۱).

ساختار مقاله مبتنی بر پژوهش میدانی

روش ها و اصول کلی ناظر بر گزارش فعالیت پژوهشی شاخه های علوم، تقریباً به طور خاصی به کار می روند که همگی متکی بر «روش علمی» (۹) است. انجمن روان شناسان (APA) به منظور تسهیل در امر انتقال روش نتایج پژوهش، الگوی استاندارد شده ای را در اختیار مؤلفان قرار داده تا در موقع تهیه گزارش پژوهشی خود، آن اصول را به کار گیرند و تقریباً همه مجله های معتبر علوم انسانی در تهیه و تنظیم نوشته های پژوهش خود از آنها پیروی می کنند. (هومن، ۱۳۷۸، ص ۱۰) که در زیر به اختصار به مراحل آن اشاره می گردد.

مقدمه

هر مقاله علمی با یک مقدمه شروع می شود و آن، خلاصه ای از فصل اول و دوم پایان نامه ها و رساله هاست که به طور مختصر به بیان کلیات تحقیق و بررسی مختصری از پیشینه آن می پردازد؛ بنابراین در مقدمه مقاله مسئله تحقیق و ضرورت انجام آن و اهداف آن از نظر بنیادی و کاربردی به صورت مختصر بیان می گردد و سپس به بررسی سوابق پژوهشی که به طور مستقیم به موضوع تحقیق مرتبط است، پرداخته می شود. مقدمه باید یک منطق اساسی را در تحقیق بیان کند و به خواننده نشان دهد که چرا این تحقیق ادامه منطقی گزارش های پیشین است. در این بخش پس از نتیجه گیری از پژوهش های بررسی شده، محقق باید پرسش های پژوهش خود را به صورت استفهامی



میزان

— همانند تحقیقات میدانی — کلیاتی است که محقق باید قبل از شروع بحث، آن را برای خواننده روشن نماید؛ مانند تعریف و بیان مسئله تحقیق، تبیین ضرورت انجام آن و اهدافی که این تحقیق به دنبال دارد. همچنین محقق باید خلاصه ای از سابقه بحث را — که به طور مستقیم مرتبط با موضوع است — بیان کند و در نهایت توضیح دهد که این مقاله به دنبال کشف یا به دست آوردن چه مسئله ای است؛ به عبارتی، مجهولات یا سؤال‌های مورد نظر چیست که این مقاله در صدد بیان آنهاست.

طرح بحث (متن)

در این بخش، مؤلف وارد اصل مسئله می‌شود. در اینجا باید با توجه به موضوعی که مقاله در پی تحقیق آن است، عناوین فرعی‌تر از هم متمایز گردند. محقق در تبیین این قسمت از بحث، باید اصول مهم قواعد محتوایی مقاله را مورد توجه قرار دهد و سعی کند آنها را مراعات نماید؛ اصولی مانند: منطقی و مستدل بودن، منظم و منسجم بودن، تناسب بحث با عنوان اصلی، ارتباط منطقی بین عناوین فرعی‌تر در مسئله، خلاقیت و نوآوری در محتوا، اجتناب از کلی‌گویی، مستند بودن بحث به نظریه‌های علمی و دینی، جلوگیری از حاشیه روی افراطی که به انحراف بحث از مسیر اصلی می‌انجامد و موجب خستگی خواننده می‌شود و همچنین پرهیز از خلاصه‌گویی و موجزگویی تفریطی که به ابهام در فهم می‌انجامد، رعایت امانت حقوق مؤلفان، اجتناب از استناد دادن به صورت افراطی، توجه داشتن به ابعاد مختلف مسئله و امثال اینها.

نتیجه‌گیری

در این قسمت محقق باید به نتیجه معقول، منطقی و مستدل برسد. نداشتن تعصب و سوگیری غیرمنصفانه در نتیجه‌گیری، ارتباط دادن نتایج با مباحث مطرح شده در پیشینه، ارائه راهبردها و پیشنهادهایی برای تحقیقات آینده، مشخص کردن نقش نتایج در پیشبرد علوم بنیادی و کاربردی و امثال آن، از جمله مواردی است که محقق باید به آنها توجه داشته باشد.

ارجاعات

اعتبار یک گزارش پژوهشی علاوه بر صحت و دقت داده‌ها و استدلال حاصل از آنها، به منابع و مراجعی است که از اطلاعات آنها در پژوهش استفاده شده است. ارجاعات از

موارد مهم ساختار یک مقاله علمی است، به وسیله آن، چگونگی استفاده از اندیشه‌های دیگران را به خواننده معرفی می‌نماید. در این قسمت به دو بحث مهم ارجاعات اشاره می‌شود که یکی شیوه ارجاع دادن در متن است و دیگری شیوه ذکر منابع در پایان مقاله.

ارجاعات در متن

نخستین چیزی که درباره استناد دادن در متن باید مشخص بشود، این است که: چه چیزی باید مستند گردد؟ موارد استناد آوردن را به شرح زیر بیان داشته است:

باید اندیشه‌هایی را که به دیگران تعلق دارند، مشخص کرد و با ذکر مأخذ نشان داد که از آن چه کسانی می‌باشند (امانت‌داری)؛

هر زمان که افکار و اندیشه‌هایی با چهارچوب فکری کسان دیگری همخوانی دارند، موارد را باید با ذکر منبع مشخص کرد؛

هر زمان که نظریه، روش یا داده‌ای مورد بحث قرار می‌گیرد، منبع آن را باید ذکر کرد تا اگر خواننده خواست اطلاعات بیشتری درباره آن کسب کند، بتواند به آن مراجعه کند؛

باید نقل قول‌هایی را که از یک متن به صورت مستقیم و بدون دخل و تصرف، داخل گیومه آورده می‌شود، مستند ساخت.

بنابراین اطلاعاتی که برای خوانندگان، اطلاعات عمومی به حساب می‌آیند، لازم نیست مستند شوند. نویسنده، تنها در صورتی می‌تواند به آثار خود ارجاع دهد که این ارجاع برای مطالعه بیشتر باشد و نقل از خود، معنا ندارد. همچنین در استناد کردن، حتی الامکان باید به منبع مستقیم یا ترجمه آن استناد کرد. تنها زمانی به منابع دیگران استناد می‌شود که محقق دسترسی مستقیم به اصل اثر را نداشته باشد که در آن صورت باید مشخص کرد که آن مطلب از یک منبع دست دوم گرفته شده است..

شیوه ارجاع در متن

هرگاه در متن مقاله مطلبی از یک کتاب یا مجله یا.. به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، نقل شود، باید پس از بیان مطلب، آن را مستند ساخت. این مستندسازی شیوه‌های مختلفی دارد که در اینجا به بخش‌هایی از آن اشاره می‌شود.

در استناد، نام مؤلف و صاحب اثر، بدون القاب «آقا»، «خانم»، «استاد»، «دکتر»، «پروفیسور»، آورده می‌شود، مگر در جایی که لقب جزو نام مشخص شده باشد (۲۴)، مانند خواجه نصیرالدین طوسی. (دهنوی، ۱۳۷۷، ص ۸۹).

یک اثر با یک مؤلف:

پس از آوردن متن، داخل پرانتز: نام مؤلف، تاریخ انتشار، شماره صفحه به ترتیب می‌آید و پس از آن، نقطه آورده می‌شود؛ مانند:

یک اثر با بیش از یک مؤلف:

اگر تألیف دارای دو یا سه مؤلف باشد، نام آنها به ترتیب ذکر شده در اثر، به همراه سال انتشار و شماره صفحه می‌آید؛ ولی در آثار با بیش از سه مؤلف، نام اولین مؤلف ذکر می‌شود و به دنبال آن عبارت «و همکاران» و سپس سال انتشار و شماره صفحه می‌آید؛ مانند: (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۷۹، ص ۵۰) یا (نوربخش و همکاران، ۱۳۴۶، ص ۷۵).

آثار با نام سازمان‌ها و نهادها:

در صورتی که آثار به نام شرکت‌ها، انجمن‌ها، مؤسسات، ادارات و مانند اینها انتشار یابند، در استناد کردن، به جای نام مؤلف، نام سازمان می‌آید؛ مانند: (فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۸۲، ص ۳۴).

دو یا چند اثر یک مؤلف:

هرگاه به دو یا چند اثر مهم اشاره شود، همه آنها در داخل پرانتز، و به ترتیب تاریخ نشر پشت سرهم می‌آیند؛ مانند: (والاس، ۱۹۸۰، ص ۱۵؛ ۱۹۸۸، ص ۲۷؛ ۱۹۹۰، ص ۵). و اگر چند اثر یک مؤلف در یک سال منتشر شده باشد، آثار مختلف او با حروف الفبا از هم متمایز می‌گردند؛ مانند: (احمدی، ۱۳۶۵ الف، ص ۲۲؛ ۱۳۶۵ ب، ص ۱۶).

زیرنویس (پاورقی) توضیحی

توضیحات اضافی، یا توضیح اصطلاحاتی را که نویسنده برای حفظ انسجام متن نمی‌تواند آن را در متن بیاورد، می‌توان در زیر صفحه با مشخص کردن شماره آنها بیان کرد. نکته قابل توجه اینکه، این توضیحات باید حتی الامکان خلاصه

ذکر شوند و نباید تکرار مطالب متن باشند. در ترجمه متون توضیحاتی که مؤلف در زیرنویس آورده، باید عیناً ترجمه شود و در صورتی که مترجم برای بیان اصطلاح یا تبیین مطلبی توضیحی را ضروری ببیند، می تواند آن را در پاورقی ذکر کند و در جلوی آن لفظ «مترجم» را - برای متمایز ساختن آن از توضیحات بیان نماید.

معادل ها

کلمه های بیگانه در داخل متن حتما باید به فارسی نوشته شود و صورت خارجی آنها در پاورقی ذکر گردد و این، منحصر به اصطلاحات تخصصی یا اسامی اشخاص است. چنانچه در موارد خاصی لازم باشد که صورت خارجی آنها در داخل متن بیاید، باید آنها را مقابل صورت فارسی در داخل پرانتز نوشت.

نکته قابل توجه در استناد دادن معادل ها این است که اولاً در هر متن یا مقاله یا کتاب، فقط یک بار معادل انگلیسی آنها آورده می شود؛ ثانیاً معادل های بکار گرفته شده باید یکنواخت باشند. و در صورت آوردن معادل های دیگر، مثل فرانسه، آلمانی، و... باید، در متن توضیحی درباره آن داده شود. در نوشتن اسامی اشخاص، ابتدا نام بزرگ، سپس حرف اول نام کوچک او با حروف بزرگ نوشته می شود مانند Jung، C.

ارجاع در منابع

محقق باید در پایان مقاله فهرستی از منابع و مراجعی که در متن به آنها استناد کرده است، به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی در منابع فارسی (عربی یا انگلیسی در صورت استفاده) بیاورد. مقصود از فهرست منابع، به دست دادن صورت دقیق و کامل همه مراجعی است

که در متن مقاله به آنها استناد شده است. هدف از ارائه این فهرست، نشان دادن میزان تلاش پژوهشگر در بررسی و استفاده از منابع گوناگون، احترام به حقوق سایر نویسندگان و مؤلفان و نیز راحتی دستیابی خواننده به منابع موردنظر است؛ علاوه براینکه تمامی مراجع و مأخذی که در متن به آنها استناد شده، باید در فهرست منابع آورده شود، پس در بخش منابع، فقط منابعی آورده می شود که در متن به آنها استناد شده است.

در ذکر هر منبع، حداقل پنج دسته اطلاعات، ضروری به نظر می رسند که در همه ارجاعات مشترک اند:

۱- نام مؤلف یا مؤلفان؛ ۲- تاریخ انتشار اثر؛ ۳- اثر؛ ۴- نام شهر(ایالت)؛ ۵- نام ناشر.

جداسازی این اطلاعات از هم با نقطه (.) و جداسازی اجزای مختلف هر یک از آنها با ویرگول (،) صورت می گیرد.

ارجاع کتاب در منابع

در ارجاع منابع دارای دو مؤلف یا بیشتر، اسامی مؤلفان به ترتیب نام ذکر شده در کتاب، ذکر می شود و بین نام خانوادگی و نام آنها ویرگول و بین اسامی مؤلفان نقطه ویرگول (؛) می آید؛ مانند:

سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، زهره (۱۳۷۹). روش های تحقیق در علوم رفتاری (چاپ سوم). تهران: نشر آگاه.

در معرفی کتاب های ترجمه شده، پس از ذکر نام مؤلف و تاریخ اثر، نام مترجم و تاریخ انتشار ترجمه ذکر می شود. در آثاری که تاریخ نشرشان مشخص نیست، داخل پرانتز به جای تاریخ نشر، علامت سؤال (؟) می آید؛ مانند:

صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۷۵). شواهد الربوبیه، ترجمه جواد مصلح. چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش.

در معرفی کتاب هایی که با عنوان سازمان ها یا نهادها منتشر شده اند، به جای نام اشخاص، نام مراکز ذکر می شوند: مرکز اسناد و مدارک علمی، وزارت آموزش و پرورش، (۱۳۶۲). واژه نامه آموزش و پرورش: فارسی- انگلیسی، انگلیسی- فارسی. تهران. نشر مؤلف.

کتاب هایی که به جای مؤلف، ویراستاری یا به صورت مجموعه مقالاتی بوده که به وسیله افراد مختلف نوشته شده است؛ اما یک یا چند نفر آنها را گردآوری کرده اند،

بدین صورت می آیند:

شفیع آبادی، عبدالله (گردآورنده)، (۱۳۷۴). مجموعه مقالات اولین سمینار راهنمایی و مشاوره. تهران. انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

ارجاع مقاله در منابع

برای ارجاع به مقاله‌هایی که در مجله‌های علمی-تخصصی به چاپ می‌رسند، ابتدا نام مؤلف یا مؤلفان، پس از آن، تاریخ انتشار اثر، بعد عنوان مقاله، و به دنبال آن، نام مجله و شماره آن ذکر می‌شود، سپس شماره صفحات آن مقاله در آن مجله با حروف مخفف صص در فارسی و pp در انگلیسی آورده می‌شود.

ارجاع پایان نامه و رساله در منابع

در ارجاع رساله‌ها و پایان نامه‌ها، پس از ذکر عنوان، باید ذکر شود که آن منبع پایان نامه کارشناسی ارشد یا رساله دکترا و به صورت چاپ نشده، است؛ سپس باید نام دانشگاهی را که مؤلف در آن فارغ التحصیل شده است، آورد:

ایزدپناه، عباس (۱۳۷۱). مبانی معرفتی مشاء و اهل عرفان، پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده دانشگاه قم.

ارجاع از یک روزنامه در منابع

در معرفی مقاله‌هایی که در خبرنامه‌ها و روزنامه‌ها به چاپ می‌رسند، یا استنادهایی که از متن سخنرانی اشخاص در یک روزنامه آورده می‌شود، همانند ارجاع مقاله در مجله، تمام اطلاعات ضروری را آورده سپس سال انتشار، روز و ماه، نام روزنامه و شماره صفحه را ذکر می‌کند. مانند:

محقق کجیدی، محمدکاظم (۱۳۷۵، ۲۱مهر)، موانع ساختاری توسعه بخش کشاورزی، روزنامه کیهان، ص ۶.

ارجاع فرهنگ نامه و دائره المعارف در منابع

در ارجاع دائره المعارف‌ها نام سرپرست آورده شده و سپس بقیه اطلاعات ضروری، همانند کتاب به ترتیب می‌آید؛ مانند: بجنوردی، سید کاظم و همکاران (۱۳۷۷)، دائره المعارف بزرگ اسلامی (چاپ دوم)، تهران: مرکز دائره

المعارف بزرگ اسلامی.

آیین نگارش

چنان‌که بیان شد، محقق باید ابعاد سه گانه محتوایی، ساختاری و نگارشی مقاله را مورد توجه قرار دهد. آنچه تاکنون بیان شد، خلاصه‌ای از اصول محتوایی و ساختاری یک مقاله علمی بود. اکنون به بررسی اصول کلی آیین نگارش که رعایت آن در تحریر مقاله علمی ضروری به نظر می‌رسد، می‌پردازیم.

الف) متن علمی تا حد ممکن باید مختصر و مفید باشد. به همین جهت لازم است از آوردن نقل قول‌های غیرضروری و حجم افزا، تفنن‌های شاعرانه و ذوقی، بیان‌های عاطفی و احساسی و گزافه نویسی اجتناب شود.

ب) از آوردن عبارتهای مبهم، مغلق و پیچیده و واژه‌های نامأنوس باید احتراز گردد.

ج) باید از ذکر بندهای طولانی و جمله‌های بلند خودداری شود.

د) مطالب باید ساده، روان، جذاب و به گونه‌ای صریح و روشن بیان گردد.

ر) در نقل مطالب، ضروری است امانت‌داری را با ذکر مشخصات دقیق منبع رعایت نمود. هر چند در این باب نباید به دام افراط و تفریط - که حمل بر فضل فروشی یا سهل‌انگاری است - افتاد.

ش) هر بخش از نوشته که شامل یک اندیشه و مطلب خاصی است، باید در یک بند (پاراگراف) آورده شود.

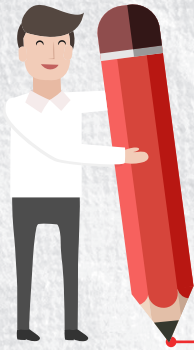
ص) باید از به کار بردن کلمات مترادف به جهت افزایش حجم اجتناب شود.

ط) باید از به کار بردن افراطی حروف اضافه و حروف ربط در متن پرهیز گردد.

ع) باید از به کار بردن تعبیرهای نامناسب و عامیانه و استعمال الفاظ ناروا، رکیک و غیراخلاقی احتراز شود.

تایپ مقاله

امروزه تقریباً اکثر مجلات علمی، مقالات خود را به صورت تایپ شده می‌پذیرند، بدین روی و برای تکمیل شدن بحث،



ویرایش متن

ویرایش متن بر عهده ویراستار است که باید طبق قوانین مربوط به نشر و ضوابط علمی صورت دهد. هر چند ویرایش، وظیفه محقق نیست، برای آشنایی محققان، به توضیحی اجمالی در این رابطه می پردازیم:

هر اثر تحقیقی دو نوع ویرایش می شود: ویرایش فنی و ویرایش محتوایی.

ویرایش فنی

در ویرایش فنی مسائلی از قبیل به دست دادن ضبط لاتینی، نام ها یا معادل فرنگی اصطلاحات فنی، تعیین محل تصاویر، اشکال و جدول ها، مراعات شیوه مناسب برای معرفی مشخصات کتاب شناسی، تهیه فهرست مندرجات، فهرست تفصیلی، واژه نامه، فهرس دیگر، تنظیم صفحه عنوان و صفحه حقوق، اعراب گذاری های لازم، تبدیل مقیاس ها و سنوات، توضیح لازم برای برخی از اصطلاحات، معرفی اجمالی بعضی از اعلام در صورت نیاز انجام می شود.

ویرایش محتوایی

هر نوع کاستی و نادرستی نحوی و زبانی در این ویرایش اصلاح می شود. اگر اثر تحقیقی، متن تصحیح شده باشد، به بدخوانی های مصحح توجه و با مراجعه به منابع - در صورت همکاری مصحح و در اختیار قرار دادن منابع - از درستی و اعتبار توضیحات و تعلیقات وی اطمینان حاصل می شود. در مورد آثار ترجمه شده مطابقت تمام و کمال ترجمه با متن اصلی لازم است ..

پیوست ها

اگر مقاله علمی دارای مطالبی باشد که در گزارش پژوهش علمی ضروری نیست، مؤلف آن را در پیوست ها، ضمیمه مقاله می نماید. به طور کلی آنچه پرسشنامه را در درک، ارزشیابی و تکرار پژوهش یاری می کند، مانند نسخه کاملی از آزمون ها یا پرسش نامه های چاپ نشده و شاخص های آماری آنها و... می تواند در پیوست آورده شود.

برای آشنایی مؤلفان محترم، برخی از اصول تایپ، بیان می گردد.

الف) عنوان مقاله در وسط سطر و با فاصله چهار سانتی متر از بالا با قلم یاقوت، شماره شانزده تایپ می گردد.

ب) نام مؤلف در زیر عنوان و در وسط سطر و با فاصله ۱/۵ سانتی متر، با قلم ترفیک، شماره ده تایپ می شود.

ج) رتبه علمی و محل خدمت مؤلف یا مؤلفان با علامت ستاره (*) یا شماره در پاورقی همان صفحه و با قلم لوتوس نازک شماره دوازده که متناسب با قلم پاورقی است، تایپ می گردد.

د) عناوین فرعی مقاله با شماره های تفکیک کننده مانند: ۱، ۲، ۳، و... با قلم لوتوس سیاه، شماره چهارده تایپ می گردد.

ر) عناوین فرعی تر با شماره های تفکیک کننده ۱، ۱، ۱، ۲، ۱ و... با قلم لوتوس سیاه، شماره سیزده تایپ می گردد. س) متن مقاله با قلم لوتوس نازک، شماره چهارده تایپ شده و ابتدای هر پاراگراف یا بند با کمی تورفتگی (اشپون) با فاصله ۰/۵ سانتی متر آغاز می گردد.

ص) فاصله بین سطرهای متن ۱/۵ سانتی متر و فاصله آنها از عنوان های فرعی دو سانتی متر است.

ط) فاصله حاشیه صفحه ها از هر طرف دو سانتی متر و از بالا و پایین نیز دو سانتی متر است و فاصله آخرین سطر با پاورقی یک سانتی متر است.

ع) نقل قول های مستقیم در داخل گیومه با قلم لوتوس نازک، شماره دوازده تایپ می گردد.

ف) شماره صفحات در گوشه سمت چپ و بالای صفحه تایپ می گردد.

ق) مقاله فقط بر یک طرف صفحه تایپ می شود. ک) باید در تایپ مقاله از به کار بردن قلم های متنوع و متفاوت اجتناب شود.

ل) قلم انگلیسی لازم برای تایپ پاورقی، Times Me-dium با شماره هشت است و همین قلم برای انگلیسی در متن و منابع با شماره ده استفاده می شود.

شیوه صحیح قانون خوانی برای کارشناسی ارشد و وکالت

برگرفته از سخنان رتبه یک آزمون وکالت - نیما جهانشیری

ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی می‌گه:

((قضات دادگاه‌ها موظفند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند، یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعا و صدور حکم امتناع ورزند و الا مستنکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد.

تبصره - چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد))

نکات مهم ماده با رنگ قرمز نوشته شده! مثلاً در تبصره این ماده گفته شده در صورتی که قانون را خلاف شرع بداند نه رای وحدت رویه نه آرای دیوان عالی کشور و آیین‌نامه و تصویب‌نامه! پس طراح سوال می‌تونه جای قانون رو عوض کنه و یه چی دیگه بذاره! البته سوالات ارشد یا وکالت به این سادگی هم که گفته شد طرح نمیشه و فقط ماده و نکاتی که گفته شد جنبه تمثیلی داشت و بیشتر جنبه آموزشی ماده مد نظر بود که بدونید چطوری قانون رو بخونید مخصوصاً اینکه چندسال اخیر سوالات بسیار جنبه استنباطی و مفهومی پیدا کرده و از جنبه قانون محوری و حفظ کردن نکته‌ای خاص و پرسیدن آن بیرون آمده و در قالب مسئله حقوقی درآمده و شما باید مجموعه نکاتی را که از ماده‌های مختلف قانون یادتون میاد رو برای حل مسئله به کار ببرید! ممکن است در یک سوال از چند ماده مختلف به طور غیرمستقیم سوال طرح شده باشد و مثلاً وقتی از صلاحیت دادگاه‌ها سوال مطرح میشه به مرور

ببینید تصویری که اکثراً از خوندن متن قانون دارند اینه که باید قانون رو حفظ کنند! مخصوصاً کسانی که رشته‌ی درسیشون حقوق نیست تصویری که از یه وکیل دارن اینه که یه وکیل تمام قانون‌ها رو حفظ کرده به همراه شماره‌ی ماده قانون‌ها! درست مثل یک دوربین که هرچی رو که دیده عیناً ضبط بکنه ولی این اشتباهه است چون هرچقدر هم ماده‌ها رو حفظ باشید به خود موضوع ماده تسلط پیدا نکردید یا اگر هم ماده مربوطه رو فهمیدید چون فقط حفظ محض کردید زود فراموش میشه بالاخره انسانه دیگه کامپیوتر نیست که بتونه یه اطلاعات رو چندین سال به همون شکل نگه داره. شیوه صحیح خوندن قانون درک کردن متن قانون هست که ببینیم چی داره می‌گه! چه کسانی رو شامل میشه! مفهوم مخالفش چیه! آیا می‌تونیم در فلان موضوع از این ماده استفاده کنیم یعنی دایره‌ی شمول افرادش تا چه حدیه! مخصوصاً اینکه طراحان سوال با کوچک‌ترین کلمات قانون در آزمون‌های حقوقی بازی می‌کنند پس باید حواستون کامل به تک تک کلمات باشه! مثلاً یه‌جا می‌گه قاضی موظف است یه‌جا قانون می‌گه قاضی مکلف هست یه‌جا می‌گه قاضی مخیر است یعنی اختیار دارد که کار مربوطه را انجام بدهد یا انجام ندهد پس ببینید بین کلمات موظف و مکلف و می‌تواند خیلی تفاوت داره! شاید توی دور اولی که متن قانون رو می‌خونید متوجه این ریزه‌کاری‌ها نشید ولی اگه چندبار متن ماده رو به این دقت بخونید کم کم دستتون میاد که چطوری بخونید! مخصوصاً اینکه حتماً حتماً دور کلمات (و) و (یا) خط بکشید یا مثلاً کلمه (مگر اینکه) نشان دهنده‌ی یک تبصره در حکم ماده هست! کلاً اگه از کتاب‌هایی که قانون رو به صورت نموداری نوشتند استفاده کنید بهتر می‌تونید متن ماده رو متوجه بشید مثل کتاب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب به صورت نموداری از انتشارات چتر دانش سری ۳.



زمان و شرایط شکلی دادخواست هم توجه داشته باشد که در ظاهر سوال شاید نتوان به آسانی به آن پی برد ولی اگر متن قانون رو به این شکل خونده باشید چون ملکه ذهنتون شده دیگه کمتر پیش میاد که فراموش کنید! دقیقا مثل شماره تلفن منزل خودتون که انقدر تکرار شده و انقدر به تک تک اعداد توجه دارید که کمتر پیش میاد بجای عدد ۳ عدد ۷ به یادتون بیاد (هرچیزی تاکید می‌کنم هرچیزی با تکرار زیاد وارد حافظه بلند مدت انسان میشه! مثال بارز پسر ژاپنی بود که تونسته بود یک عدد رو که بیش از ۴۰ هزار رقم داشت مو به مو بدون کوچکترین غلطی به ترتیب حفظ کنه و جلوی داوران بنویسه. پس این نشون میده حافظه انسان اصلا محدودیتی ندارد و این ما هستیم که می‌تونیم با تمرین و تکرار زیاد هر داده‌ای رو وارد حافظه بکنیم! دقیق یادم نیست ولی پارسال بود که داشتم از یه سایتی یه مقاله می‌خوندم که نوشته بود ظرفیت ابرایانه‌ها و ابرحافظه‌های موجود و حتی پانصدسال آینده حتی یک پنجم ظرفیت کل حافظه انسان نمیرسه! کما اینکه محاله یک شخص اسم خودشو یا اسم پدر و مادرشو فراموش کنه البته در شرایط عادی !!!

پس اینی که می‌گید من زود فراموش می‌کنم یا هرچی که می‌خونم یک ماه بعد فراموش میشه از سیستم حافظه و ضعف اون نیست! از تنبلی خودمونه که اگه بیشتر مرور می‌کردیم یا اگه بار اول عمیقا و با علاقه می‌خوندیم شاید این حرف‌رو نمی‌زدیم (حرف زیاد زدم بریم سراغ اصل مطلب)

خوب بعد از خوندن متن ماده فوق باید بدونید که مثلا به طور دقیق چه مواقعی میتونیم به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر مراجعه کنیم؟ وقتی که قوانین کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلا قانونی در قضیه مطروحه نباشه. پس مفهوم مخالف ماده اینه که نمی‌تونیم وقتی که

قوانین شرایط بالا را داشته باشه به فتاوی معتبر مراجعه کرد یا مثلا توی کنکور سوال بیاد که طبق ماده سه آیین دادرسی مدنی اگر قاضی قانون را خلاف شرع تشخیص داد آیا می‌تواند به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع کند؟ جواب: خیر! چون باید مجتهد باشد و گرنه نمی‌تواند! منظور از شعبه دیگری یعنی چی دقیقا؟ آیا شعب دیوان عالی کشور هم شامل میشه؟ شعبه تجدیدنظر چطور؟ پس جواب درست شعبه هم عرض دیگر هست که عین همین سوال فکر کنم توی یکی از آزمون‌های حقوقی اومده بود! پس باید بر روح قانون یعنی چیزی که صریحا بهش اشاره‌ای نشده ولی میشه با توجه به قراین و امارات بهش پی برد هم مسلط شد! تفسیر قانون از حفظ کردن قانون مهم‌تره! خوب پس دیدید که شاید یه متن ساده‌ای بود که خیلی‌ها بارها خونده بودیمش ولی با همین کلمات طراحان سوال بازی می‌کنند و اگه فقط حفظ کرده باشید یادتون نمیاد که دقیقا باید قوانین چه نقصی داشته باشه که بتونه به فتاوی معتبر مراجعه کنه! ممکنه گزینه‌ها اینطوری باشه که شما گیج بشید: ۱. قوانین تراجم داشته باشند ۲. متعارض باشند ۳. ناقص باشند ۴. مجمل باشند

جواب درست چیه؟؟ گزینه دو! چون گزینه سه و چهار طبق خود متن ماده نمی‌تونن بهانه‌ای برای رای ندادن قاضی باشه! و گزینه یک هم چون در متن ماده اشاره‌ای نشده و مفهوم جداگانه‌ای با تعارض داره مشمول جواب صحیح نمیشه! می‌بینید اگه ماده رو خوب خونده باشید می‌تونید حتی با حذف گزینه غلط هم به جواب برسید! پس فقط وقتی می‌تونید برید سراغ ماده بعدی که ماده قبلی‌رو به این شکل و حتی عمیق‌تر یاد گرفته باشید نه اینکه مثل طوطی فقط کلمات رو حفظ کرده باشید! امیدوارم تونسته باشم منظورمو برسونم!

نویسنده: سید عباس موسویان

بانکداری

بر نمی‌خیزند، مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس آشفته‌اش کرده است. این بدان سبب است که آنان می‌گفتند: «دادوستد مانند ربا است» و حال آن که خدا داد و ستد را حلال، و ربا را حرام کرده است.

اقتصاد ربوی، اقتصادی است که گروهی در نقش کارگر، کشاورز، تاجر و کارخانه‌دار با تمام توان و علاقه، از صبح تا شب در آن زحمت می‌کشند و کار می‌کنند و هزاران خطر و نگرانی را به جان می‌خرند و در نهایت، بخش اصلی محصول و دسترنج را به گروهی فاصله گرفته از عرصه کار و کوشش و بی‌خبر از اضطراب‌ها و نگرانی‌ها و افت و خیزهای صحنه عمل تحویل می‌دهند. (۲) شاید بهترین شاهد بر این مدعا، مطالعه آمار یکی از پیشرفته‌ترین اقتصادهای دنیا باشد. طبق آمار رسمی بانک مرکزی آلمان، در حالی که تولید ناخالص ملی در طول ۲۲ سال، ۴/۲ برابر شده، درآمدهای ناشی از بهره، از ۱۰ برابر تجاوز کرده و این بدان معنا است که بخش فراوانی از افزایش تولید، نصیب صاحبان پول شده؛ در نتیجه، حقوق و دستمزد نتوانسته در حد رشد تولید ناخالص ملی رشد کند و فقط ۳/۲ برابر شده است. (۳) اندیشه ور سوئیسی هانس یورگن گفته است:

بهره، رشوه‌ای است که تمامی شاغلین، از کارگر گرفته تا کشاورزان و کارفرمایان باید به صاحبان سرمایه‌های مالی بپردازند تا بتوانند مشغول به کار شوند.... بهره، یک بار کمرشکن



چکیده

اقتصاد ربوی اقتصادی است که در آن، گروهی با تمام توان کار می‌کنند و هزاران خطر و نگرانی را به جان می‌خرند و در پایان، بخش اصلی سود و دسترنج را به گروهی فاصله گرفته از عرصه کار و کوشش و بی‌تفاوت در برابر اضطراب‌ها و افت و خیزهای اقتصاد واقعی، تحویل می‌دهند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر روابط اجتماعی و تغییر قوانین غیراسلامی، بازار پول و سرمایه، به ویژه نظام بانکی ایران نیز دستخوش دگرگونی اساسی شد که تصویب و اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا، از مصادیق روشن آن به شمار می‌آید.

این مقاله با بررسی نظام بانکداری ایران، نشان می‌دهد که نظام بانکی، نخواستار یا نتوانسته آن گونه که انتظار بود، ربا و بهره را از معاملات خود حذف کند و ربا در موارد بسیاری به صورت پنهان و آشکار خود را نشان می‌دهد. مهم‌ترین مصادیق ربا در نظام بانکی را می‌توان در دو بخش اعطای تسهیلات بانکی و بخش جریمه تأخیر و تمدید مهلت پرداخت بدهی بررسی کرد.

مقدمه

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلَ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا. (۱) کسانی که ربا می‌خورند،

۱۶

میزان

نشریه علمی تخصصی انجمن علمی دانشجویی فقه و مبانی حقوق اسلامی - زمستان ۹۶ - شماره ۱۰

اسلامی

(در سپرده‌های دیداری و پس انداز) یا وکیل سپرده‌گذاران (سپرده‌های سرمایه‌گذاری)، و هر چه به صورت سود از طریق اعطای تسهیلات، به دست می‌آورند، پس از کنار گذاشتن سهم خود (در جایگاه مالک یا به صورت حق الوکاله)، بقیه را به صاحبان سپرده سرمایه‌گذاری می‌پردازند؛ پس اگر سود دریافتی بانک‌ها از طریق اعطای تسهیلات، مشروع و از ربا خالی باشد، سهم بانک و سپرده‌گذاران نیز مشروع و خالی از ربا خواهد بود و اگر آن سودها ربوی باشد همان‌طور که سهم بانک، ربوی می‌شود سود اعطایی به سپرده‌گذاران نیز ربوی خواهد بود و در حقیقت، بانک به جای وکالت در دادن و گرفتن سود، در دادن و گرفتن ربا وکیل می‌شود.

پس از اجرای قانون بانکداری بدون ربا، از میان عقود دوازده‌گانه اعطای تسهیلات به جهت این که بانک‌ها موضوع عقود مزارعه و مساقات (زمین زراعی و باغ) را نداشتند، به این دو عقد، اصلاً عمل نشد. عقد خرید دین نیز به جهت وجود مشکلات فقهی از سال ۱۳۶۷ باز ایستاد؛ بنابراین، بانک‌ها افزون بر سرمایه‌گذاری مستقیم، از طریق هشت عقد فروش اقساطی، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، جعاله، سلف، اجاره به شرط تملیک و قرض الحسنه، به اعطای تسهیلات اقدام کردند. بررسی عملکرد بانکداری بدون ربا نشان می‌دهد که بدبختانه نظام بانکی، نه تنها به سمت‌رهایی از حقیقت بهره‌پیش‌نرفته، بلکه با اتخاذ برخی روش‌ها و راه‌کارها به سمت آن کشیده شده است و این حقیقت تلخ را می‌توان در مسائل آینده به روشنی مشاهده کرد.

شواهد گرایش نظام بانکی به حقیقت بهره

پیش از بیان شواهد، یادآوری این نکته لازم است که در قانون عملیات بانکداری بدون ربا، شیوه‌های به کارگیری منابع بانک به لحاظ کیفیت تعلق سود، به پنج گروه تقسیم می‌شود.

گروه اول، عقود مشارکتی (مشارکت مدنی، حقوقی و مضاربه) هستند. در این عقود، مطابق قانون، نسبت‌های تقسیم سود در قرارداد، تعیین، و نرخ سود انتظاری، پس از کارشناسی مشخص می‌شود؛ اما نرخ سود قطعی بعد از انجام فعالیت اقتصادی و مشخص شدن سود واقعی به دست می‌آید.

گروه دوم، عقود با بازده ثابت (فروش اقساطی و اجاره

برای اکثریت و درآمدی غیرمسئولانه برای اقلیت است. (۴) پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در پی دگرگونی‌های بزرگ روابط اجتماعی و تغییر قوانین و مقررات غیراسلامی، بازار پول و سرمایه ایران به ویژه نظام بانکی، دستخوش تحول اساسی شد. تصویب و اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا، آن هم در زمانی که به اعتقاد بیشتر اقتصاددانان نظام سرمایه‌داری، اقتصاد بدون بهره به تناقض درونی مبتلا بوده، در کوتاه‌مدت، کارایی، و در بلندمدت، حیات خود را از دست می‌دهد، (۵) کامیابی بزرگی به شمار می‌آید؛ اما به علل گوناگونی که در مقاله بیان می‌شود، نظام بانکداری ایران نخواستار یا نتوانسته آن گونه که انتظار بود، ربا و بهره را از معاملات خود به طور کامل حذف کند و در موارد بسیاری به صورت پنهان و آشکار خود را نشان می‌دهد. مهم‌ترین مصادیق ربا در نظام بانکی را می‌توان در دو بخش، ردیابی کرد: بخش نخست، گرایش نظام بانکی به حقیقت بهره در عملیات بانکی است و بخش دوم در مسأله جریمه تأخیر و تمدید مهلت پرداخت بدهی است. برای تبیین بیشتر این مسأله، مقاله در دو بخش مستقل تنظیم شده است. بخش نخست: گرایش نظام بانکی به حقیقت بهره (ربا) برای نشان دادن این مطلب، لازم است به عملکرد بانک‌ها در بخش اعطای تسهیلات توجه شود؛ چرا که بانک‌ها مطابق قانون عملیات بانکداری بدون ربا، یا مالک سپرده‌ها هستند



مطالعه عملکرد نظام بانکی که در جدول‌ها و نمودار صفحه‌های بعد منعکس شده، نشان می‌دهد با گذشت زمان، جهت‌گیری بانک‌ها به طور عمده به سمت به کارگیری عقود با بازده ثابت است.

باشد، به حقیقت بانکداری اسلامی نزدیک‌تر می‌شویم و برعکس، هر چه سهم آن‌ها کم‌تر شود، به حقیقت ربا و بهره نزدیک‌تر می‌شویم.

۱. رشد کمی عقود با بازده ثابت

مطالعه عملکرد نظام بانکی که در جدول‌ها و نمودار صفحه‌های بعد منعکس شده، نشان می‌دهد با گذشت زمان، جهت‌گیری بانک‌ها به طور عمده به سمت به کارگیری عقود با بازده ثابت است. در حالی که درصد مانده تسهیلات اعطایی به روش عقود مشارکتی (مشارکت مدنی، حقوقی و مضاربه)، مرتب کاهش یافته و از ۳۷/۱ درصد کل تسهیلات در سال ۶۳ به ۱۹/۳ درصد در سال ۷۸ رسیده، سهم عقود با بازده ثابت (فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک) رشد مداوم داشته، از ۳۵/۸ در سال ۶۳ به رقمی در حدود ۶۰/۳ درصد در سال ۷۸ رسیده است (۷) و از این میان، فروش اقساطی که در حقیقت ضعیف‌ترین نوع عقود بانکی در تحقق اهداف اقتصاد اسلامی است. از همه بیش‌تر رشد کرده؛ به طوری که از سال ۷۶ به بعد، به تنهایی بیش از نصف مانده تسهیلات اعطایی را شامل می‌شود؛

جدول شماره ۱- ترکیب مانده تسهیلات اعطایی جدید بانک‌ها به بخش غیر دولتی* در پایان سال
* شامل انواع موضوع معاملات به جز اموال اجاره به شرط تملیک است.

** شامل مطالبات معوق و سررسید گذشته است.

منبع: فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۶

به شرط تملیک) است. سود آن‌ها هنگام معامله به صورت قطعی معین می‌شود.

گروه سوم، عقود با بازده متغیر (سلف و جعاله) است که در آن‌ها، سود قطعی بانک، پس از پایان دوره مالی و براساس قیمت‌های پایان دوره و هزینه‌های تمام شده تعیین می‌شود.

گروه چهارم، عقد قرض‌الحسنه که ماهیت خیرخواهانه داشته، بانک در برابر کاری که انجام می‌دهد، کارمزد می‌گیرد و سودی بابت خود پول قرض داده شده دریافت نمی‌کند.

گروه پنجم، سرمایه‌گذاری مستقیم است. در این روش، بانک بخشی از منابع را به طور مستقیم، سرمایه‌گذاری و به فعالیت اقتصادی اقدام می‌کند. سود بانک در این روش، همانند عقود مشارکتی به سود واقعی فعالیت، بستگی دارد.

آشنایان با مسائل نظری بانکداری اسلامی می‌دانند که این روش‌ها همگی از جهت فقهی مورد قبول بوده، جایزند؛ اما از میان آن‌ها فقط عقود مشارکتی، سرمایه‌گذاری مستقیم و قرض‌الحسنه با اهداف بانکداری اسلامی و اقتصاد اسلامی تناسب کامل داشته، با حکمت تحریم ربا منطبق و از حقیقت ربا و بهره در بازار سرمایه دور است و عقود چون فروش اقساطی، سلف، اجاره به شرط تملیک، گرچه در بازار کالاها و خدمات، جایگاه منطقی و قابل دفاعی دارند، در بازار پول و سرمایه در عمل، دارای ماهیتی شبیه وام و اعتبار ربوی هستند؛ (۶) در نتیجه، هر چه سهم عقود مشارکتی، سرمایه‌گذاری مستقیم و قرض‌الحسنه بیش‌تر

ارکان شرکت در جرم

■ رکن قانونی

همکاری و مشارکت فی نفسه جرم نیست مگر در فعلی که قانونگذار آن را جرم شناخته باشد و مطابق نظر قانونگذار برای آن مجازات تعیین گردیده است. در ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی چنین عنوان داشته است: «هر کس عالماً و عامداً با شخص یا اشخاص دیگر در یکی از جرائم قابل تعزیر یا مجازات‌های بازدارنده مشارکت نماید و جرم مستند به عمل همه آن‌ها باشد خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد و خواه نباشد و خواه اثر کار آن‌ها مساوی باشد، خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود...» و نیز در ماده ۲۱۴ همان قانون شرکت در قتل موجب قصاص را این‌گونه تعریف می‌کند. «هرگاه دو یا چند نفر جراحی را بر کسی وارد سازند که موجب قتل او شود چه در یک زمان یا زمان‌های متفاوت چنانکه قتل مستند به جنایت همگی باشد همه آن‌ها قاتل محسوب می‌شوند...»

حال این سوال مطرح است که آیا در حدود و دیات شرکت در جرم معنی دارد یا خیر؟

و فی الواقع آیا شرکت در جرم در حدود و دیات قابل تحقق است یا خیر؟

در پاسخ به این سوال باید گفت در خصوص برخی از این جرائم شرکت در جرم معنی و مفهوم ندارد مثلاً درباره‌ی شرب‌خمر یا کذف نمی‌توان شرکت در جرم را تعریف کرد و اگر جرم به اجتماع بیش از یک نفر باشد همگی فاعل مستقل شناخته می‌شوند.

اما شرکت در جرم در بزه‌هایی مانند سرقت و محاربه، امکان‌پذیر است، لیکن قانون در این موارد پیش‌بینی خاصی ننموده است. فلذا ما نباید به بهانه سکوت قانون از آن‌ها صرف‌نظر کنیم. چون در کتب فقهی معتبر امامیه هم درباره‌ی شرکت در جرم سرقت مستوجب حد اشاره کرده است.

■ عنصر مادی شرکت در جرم

عنصر مادی شرکت در جرم زمانی محقق می‌شود که عملیات مادی مجرمانه، که ضابطه جرم بودن است توسط بیش از یک نفر صورت گیرد و بتوان آن عمل مادی را به همه افراد نسبت داد.

در ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی مجازات شریک در جرم مجازات فاعل مستقل آورده است. یعنی در هر جرمی که شریک در جرم حضور داشته باشد و بتوان مرتکبی را شریک در جرم محسوب کرد. مجازات همان فاعل مستقل



را بر آن (تحمیل می‌کنند) بار می‌کنند. نکته مهم دیگر این است که ضابطه اصلی تحقق شرکت در جرم انتساب عملیات مادی جرم موردنظر است نه اعمالی که جنبه‌ی فرعی و مساعدتی در تحقق جرم دارد. به این ترتیب عبارت «جرم مستند به عمل همه آن‌ها باشد» که در ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی آمده است اشاره به مستند بودن عملیات اجرایی به آنها دارد.

اگر در ماده مذکور به نحو روشن و صریح ذکر نگردیده است در این رابطه نظر مخالفی نیز وجود دارد که بیان

می‌شود. قانونگذار مداخله در عملیات اجرایی را برای تحقق شرکت در جرم لازم و ضروری می‌داند به این معنی است که انجام عملیات اجرایی خواه مستند به عمل شرکاء باشد و یا یکی از آن‌ها، یا اثر کار آن‌ها به طور متفاوت باشد یا مساوی، شریک در جرم محسوب می‌شوند.

مطلب دیگری که در اینجا حائز اهمیت است میزان شدت یا ضعف عمل هر یک از شرکاء هیچ تاثیری در شرکت در جرم دانستن آن‌ها ندارد. از این رو در ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی این‌گونه بیان کرده است: «... خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد یا نباشد و خواه اثر کار آن‌ها مساوی باشد یا متفاوت...»

حال باید گفت آنچه مهم‌ترین مسئله در شرکت در جرم است؛ احراز رابطه علیت بین عملیات انجام شده توسط گروه و نتیجه حاصله می‌باشد که اگر مشخص شود بدون انجام عمل توسط این افراد نتیجه منفی می‌گشت، آنگاه شرکت در جرم افراد مورد نظر محرز و مشخص است.

■ عنصر روانی شرکت در جرم

در ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی با قید عالماً و عامداً، همکاری مجرمانه دو یا چند نفر از افراد را به شرط علم و اراده آنان موجب تحقق شرکت در جرم دانسته است. از این رو کسی که اثاثیه منزلی را از داخل خانه به خارج آن منتقل می‌کند و این فرد این عمل را ندانسته و ناآگاهانه از عمل سرقت توسط دوستانش و فقط به صرف کمک کردن برای نقل و انتقال اثاثیه که فکر می‌کند متعلق به دوستانش است انجام می‌دهد. اگر چه در این حالت مطابق بحث عنصر مادی، جرم شرکت است و عمل سرقت منتسب به عمل اوست، ولی به جهت عدم تحقق عنصر روانی که همان عالم بودن و علم داشتن به جرم بودن عمل و نتیجه مجرمانه حاصل از آن

است، نمی‌توان چنین فردی را شریک در جرم نامید. نکته دوم در این خصوص داشتن اراده و اختیار به علاوه عمد و قصد است. یعنی زمانی شخصی شریک در جرم است که بدون هیچ اکراه و اجباری و در حالت طبیعی و تسلط بر قوه‌ی عقل و سلامت کامل با علم به جرم بودن عمل موردنظر اقدام به مشارکت در آن نماید. علاوه بر موارد گفته شده در قبل باید این مطلب گفته شود که تبانی و توافق پیش از جرم برای تحقق شرکت در جرم لازم است و همین که فرد در یک مشاجره و درگیری از راه برسد و در یک نزاع دسته‌جمعی به نفع دوستانش شرکت کند و حاصل عمل همه آنها به نتیجه مشترکی ختم شود آن فرد نیز شریک در جرم است. با وجود آنکه از قبیل تبانی و توافق برای ارتکاب این فعل مجرمانه نداشته است.

در ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی چنین عنوان داشته است: «هر کس عالماً و عامداً با شخص یا اشخاص دیگر در یکی از جرائم قابل تعزیر یا مجازات‌های بازدارنده مشارکت نماید و جرم مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد و خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد، خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود...»

■ مجازات شرکت در جرم

در ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی مجازات شریک در جرم مجازات فاعل مستقل آورده است. یعنی در هر جرمی که شریک در جرم حضور داشته باشد و بتوان مرتکبی را شریک در جرم محسوب کرد. مجازات همان فاعل مستقل را بر آن (تحمیل می‌کنند) بار می‌کنند.